

هیس طوری چیست؟

پویش هیس طوری بخش‌های مختلفی دارد. هسته اصلی پویش سایت آن است که مسابقات مربوط به هر کتاب و کسب امتیاز و رقابت نوجوانان همان جا اتفاق می‌افتد. طراحی سایت جذاب و نوجوان‌پسند است.

بچه‌ها می‌توانند مجموعه کتاب را به صورت مستقیم و با تخفیف از صفحه اول سایت خریداری و امتیاز بگیرند و در بخش آزمون می‌توانند در مسابقه مربوط هر جلد شرکت کنند.

به نظر می‌رسد شرکت در مسابقه و خواندن کتاب با دقت بیشتر و مراجعه مجدد به آن کمک می‌کند نقص‌های روایت داستان تاحدی برطرف شود. مسابقه باعث می‌شود مطالعه به یک بار خواندن محدود نشود و فهم بهتری اتفاق بیفتد.

علاوه بر سایت، صفحه این پویش در پیام‌رسان‌های مختلف، به خصوص شاد که به صورت مستقیم در اختیار دانش‌آموزان است، محصولات قابل توجهی را منتشر می‌کند. محصولاتی که جزئیات هر بخش را برای مخاطبی که کتاب را مطالعه کرده، عمیق‌تر می‌کند. در پایان هم برگزیدگان دوره، شه‌ریور امسال به صورت حضوری در کنار هم جمع شدند و بخش پایانی پویش را تجربه کردند و همه اینها در کنار هم باعث می‌شود هیس طوری از مناظر مختلف، یک پویش موفق باشد؛ پویشی که به سؤال اول من یعنی: «چطوری باید بچه‌هارو راضی کنم چنین چیزی رو بخون» پاسخ کارآمدی داده است.

تولد دوباره کتاب سرگذشت استعمار، یاد می‌دهد برای ناامید شدن خیلی زود است و شاید خیلی وقت‌ها نقص‌های یک کتاب قابل جبران باشد. چند روز پیش کانال شاد هیس طوری به مخاطبانش اطلاع داد خبرهای جدیدی در راه است. به نظر چند پیشنهاد می‌تواند موفقیت این خبرهای جدید را بیشتر کند.

اولین پیشنهاد، انتشار مجدد کتاب با تغییرات قابل توجه است. خوب است که زبان نرم و صمیمی پویش هیس طوری به صورت تصویرسازی به کتاب اضافه شود و کتاب یک نسخه مصور مخصوص نوجوانان داشته باشد. مصور شدن کتاب به جا افتادن بیشتر مطالب و همین‌طور صمیمی شدن آن کمک می‌کند. (چیزی شبیه مجموعه تاریخ ترسناک). به هر صورت هر قدر یک پویش کتابخوانی مؤثر باشد، اغلب مخاطبان در نهایت با متن کتاب مواجه خواهند شد.

اضافه شدن نقشه و همین‌طور خط زمانی به کتاب از همه موارد بالا واجب‌تر است. نقشه به نوجوانان کمک می‌کند تا فهم دقیق‌تری از کتاب (و همین‌طور جهان) داشته باشند و خط زمانی موجب می‌شود که توالی و نسبت علت و معلولی حوادث را بهتر درک کنند.

هیس طوری!

داستان استعمار در یک روایت خطی و زمانی؛

آیا «سرگذشت استعمار» همان کتاب تاریخی مطلوب ماست؟



مریم رحیمی‌پور

آموزگار

«سرگذشت استعمار» مجموعه‌ای ۱۵ جلدی اثر مهدی میرکیایی است که نخستین جلد آن حدود چهار سال پیش منتشر شد. این مجموعه تلاش کرده با زبانی ساده برای نوجوانان تاریخ استعمار و نحوه شکل‌گیری جهان جدید را روایت کند. ماجرای که از حدود قرن ۱۵ میلادی در اسپانیا و پرتغال آغاز می‌شود و تا دوره قاجار در ایران ادامه می‌یابد. حدود یک سال پیش، حوزه هنری کودک و نوجوان پویش «هیس طوری» را براساس این مجموعه کتاب آغاز کرد؛ پویشی که نام آن از عنوان کتاب هم مشهورتر شد و شاید جانی دوباره به این مجموعه داد. این یادداشت سرگذشت استعمار است. در مورد این‌که چطور یک کتاب می‌تواند فراتر از کتاب باشد.

«هیچ نوجوانی این کتاب رو نمی‌خونه!»

کتاب سرگذشت استعمار را سال ۹۸ در یک گوشه کتابفروشی سوره مهر پیدا کردم، احتمالاً آن زمان هیچ‌کس غیر از ناشر و من از وجود چنین کتابی اطلاع نداشت. دنبال کتابی علمی برای نوجوان‌های کلاس نهم بودم. ایده‌ام این بود که بچه‌های کتابخوان در همین سن و سال، کم‌کم باید به سمت کتاب‌های غیرداستانی مخصوص خودشان سوق داده شوند و به نظر می‌رسید که سرگذشت استعمار می‌تواند کتاب مناسبی برای اجرای چنین ایده‌ای باشد.

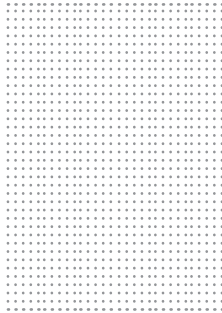
بعد از خواندن بخش‌هایی از کتاب، اولین سؤالی که از خودم پرسیدم این بود «چطوری باید بچه‌ها رو راضی کنم چنین چیزی رو بخوند؟» در نگاه اول کتاب، قلاب قابل توجهی برای نگه داشتن بچه‌ها نداشت. نکات مختلفی در ذهنم بود که باعث می‌شد مطمئن شوم هیچ‌طور نمی‌توانم بچه‌های کلاس را وادار به خواندن این کتاب کنم و کنارش گذاشتم.

چند سال بعد سه جلد کتاب به ۱۵ جلد افزایش پیدا کرده بود و حوزه هنری قصد داشت طرحی برای ترویج مجموعه ارائه کند. بی‌محابا گفتم: «این کتاب‌ها را هیچ نوجوانی نمی‌خواند. نه داستان دارد، نه طرح گرافیکی، نه حتی نقشه. برای چه باید سراغ چنین چیزی بیاید؟» و مجموعه تاریخ ترسناک را مثال زدم که چنین ایده‌ای را به محصولی مناسب نوجوانان تبدیل کرده و توضیح دادم که چطور برای جذابیت تاریخ از طنز و کاریکاتور و انواع و اقسام جذابیت‌ها بهره برده و بیرون آدم؛ البته این مطلب به همین جا ختم نمی‌شود و قرار نیست در انتها بگویم که مجموعه سرگذشت استعمار برای نوجوانان مناسب نیست. اتفاقاً برعکس.

هیس طوری، تولد دوباره سرگذشت استعمار

آشنایی با هیس طوری باعث شد باور کنم یک کتاب فارغ از متن می‌تواند تولد دوباره‌ای داشته باشد. من هم مثل بسیاری از دانش‌آموزها از ویرترین اپلیکیشن شاد به کانال هیس طوری رسیدم. در درجه اول عنوان کانال و بازی با کلمه «هیس‌توری» و «هیس طوری» برایم جالب بود. همان ابتدا کنایه اسم را گرفتم، تاریخی که کسی از آن حرف نمی‌زند. هیس طوری!

محتوای کانال، طرح‌های گرافیکی و کلیپ‌هایی بود که نکات کوتاهی در مورد تاریخ استعمار بیان می‌کرد. از نظرم بی‌نهایت جذاب بودند. کانال را برای معلم تاریخ مدرسه‌مان فرستادم و گفتم که حتماً از آن استفاده کند. نمی‌دانم دقیقاً چه زمانی متوجه شدم هیس طوری در حقیقت همان «سرگذشت استعمار» است که سروشکل تازه‌ای پیدا کرده و لباس‌های نوجوان‌پسندتری پوشیده است. بعدتر وقتی تلاش چند نوجوان برای شرکت در پویش هیس طوری و علاقه‌شان به خواندن کتاب سرگذشت استعمار را دیدم، احساس کردم که هیس طوری در کار خودش موفق بوده است.



کتاب سرگذشت

استعمار را سال

۹۸ در یک گوشه

کتابفروشی

سوره مهر پیدا

کردم، احتمالاً آن

زمان هیچ‌کس

غیر از ناشر و من

از وجود چنین

کتابی اطلاع

نداشت. دنبال

کتابی علمی برای

نوجوان‌های

کلاس نهم بودم

آیا سرگذشت استعمار همان کتاب تاریخی

مطلوب ماست؟

پس از مطالعه بقیه جلد‌های مجموعه، تازه متوجه نظام کلی آن شدم. هر جلد از کتاب به صورت جغرافیایی به بخشی از سرزمین‌های استعمار شده می‌پردازد. برای مثال، یک جلد در مورد آفریقا، یک جلد در مورد هند و جلد‌های پایانی هم به طور اختصاصی به ایران می‌پردازد. حجم هر جلد و همین‌طور هر فصل کم است و همین خواندن کتاب را ساده می‌کند که برای نوجوان‌ها هم جذاب است. زبان کتاب روان است و شما برای فهم جملات دچار مشکل نمی‌شوید و بسیار سریع‌تر از آن چیزی که فکرش را می‌کنید، پیش می‌روید. نویسنده تلاش کرده در هر چند فصل به دنبال یک شخصیت خاص برود، مثلاً چند فصل ماجرای کریستف کلمب را روایت می‌کند، چند فصل از یک برده سیاهپوست که الماسی را زخم پایش پنهان کرده می‌گوید و همین موجب می‌شود شما احساس کنید با داستان‌های کوتاه پیوسته مواجه هستید. انسجام کتاب در جلد‌های پایانی بیشتر هم می‌شود.

این کتاب، مطلوب نوجوانان است؟

اما به دلایلی هنوز هم پاسخ به پرسش ابتدای این بخش منفی است. سرگذشت استعمار یک کتاب تاریخی مطلوب نوجوانان نیست. اولین نکته منفی قابل توجه تقسیم‌بندی جغرافیایی اتفاقات است. فکر کنید شما به عنوان مخاطب کتاب، یک بار داستان استعمار آفریقا را می‌خوانید و روایت را از قرن ۱۵ تا ۱۹ دنبال می‌کنید. اما وقتی سراغ جلد بعدی می‌روید (که قرار است ماجرای استعمار کشور دیگری را روایت کند) دوباره در نقطه اول هستید؛ در همان قرن ۱۵ دوباره کریستف کلمب آمریکا را کشف می‌کند، دوباره کشتی مازلان دنیا را دور می‌زند و به نظر همین تکرار، خواننده را (خصوصاً نوجوان کم حوصله را) خسته می‌کند. موقع خواندن کتاب وقتی به جلد پنجم رسیدم و دیدم دوباره قرار است کریستف کلمب آمریکا را کشف کند به طور جدی سرخورده شدم و از خودم پرسیدم «چرا دوباره باید از اول تا آخرش را طی کنم؟» در ضمن این دسته‌بندی جغرافیایی و رفت و برگشت تاریخی باعث می‌شود نظم تاریخی منظمی در ذهن خواننده نوجوان شکل نگیرد؛ نکته‌ای که به نظرم پاشنه آشیل آموزش تاریخ است. نوجوان‌ها اطلاعات پراکنده و متعدد تاریخی دارند اما نداشتن فهم دقیق از علت و معلول حوادث و سیرهای تاریخی، موجب می‌شود تحلیل تاریخی نداشته باشند یا اساساً به تحلیل‌های غلط و متفاوتی برسند و توهم دانستن پیدا کنند.

شاید نوجوان ۱۳ ساله نداند که شرق کجاست

و غرب کجا

گذشته از این موارد کتاب هیچ تصویری ندارد. چه تصویر به معنای طرح گرافیکی مرتبط بین صفحات، چه به معنای تصویری که با استفاده از کلمات در ذهن خواننده ساخته می‌شود. مکان‌های جغرافیایی در این کتاب فقط یک اسم هستند، مثلاً نویسنده بارها در مورد تفاوت بین کمپانی هند شرقی و هند غربی صحبت می‌کند، آیا به این فکر کردیم که شاید نوجوان ۱۳ ساله نداند که شرق کجاست و غرب کجا؟ هند دقیقاً در کجای جهان قرار دارد؟ چرا استعمارگران ناچار شدند آفریقا را دور بزنند؟ علاوه بر نداشتن تصویر جغرافیایی، شخصیت‌ها نیز هیچ تصویری ندارند. ما چند صفحه در مورد یک شخصیت تاریخی می‌خوانیم اما در صفحه بعدی به سرعت فراموش می‌کنیم، چون آن شخصیت فقط یک اسم است. همه این موارد در کنار هم سبب می‌شود حتی اگر ۱۵ جلد کتاب را بخوانیم هم در نهایت چیزی (به جز جزئیاتی حکایت‌وار از تاریخ) دستمان را نگیرد و شاید اگر پویش هیس طوری وجود نداشت، سرگذشت استعمار به فراموشی سپرده می‌شد.

